

## بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

محمد راسخ‌مهند\*

مسعود محمدی‌راد\*\*

### چکیده

در این مقاله قصد داریم به بررسی نشاننداری در صرف اسم و ضمیر در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی از منظری در زمانی بر اساس اصل کاستن صورت‌ها پردازیم. طبق این اصل، صورت‌های نشانندار پایین‌ترین مرتبه و صورت‌های بی‌نشان بالاترین مرتبه را در سلسله‌مراتب کاربردبنیاد دارند. ترتیب مقولات در سلسله‌مراتب کاربردبنیاد بر اساس بسامد وقوع آن‌ها در زبان‌ها است و دلیل این بسامدهای گوناگون را می‌توان به مسائل ارتباطی، پیچیدگی و وقوع نابرابر عناصر زبانی در محیط اجتماعی نسبت داد. هم‌چنین نشان داده‌ایم تغییرات نشاننداری، در سلسله‌مراتب شمار و جنس در صرف اسم و ضمیر زبان‌های مورد مطالعه، طبق اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن است و در سلسله‌مراتب حالت استثنائی وجود دارد که مطابق پیش‌بینی‌های این اصل نیست.

**کلیدواژه‌ها:** شمار، حالت، جنس دستوری، اصل کاستن صورت‌ها، پیش‌بینی فهرست صرفی، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده.

### ۱. مقدمه

مفهوم نشاننداری را ابتدا ترویتسکوی در مکتب پراگ در واج‌شناسی به‌کار برد. بعدها یاکوبسن از این مفهوم در مقولات صرفی - نحوی و معنایی استفاده کرد و پس از وی نیز

\* استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)، mrasekhmahand@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، rad.masud@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۷

این اصطلاح را دیگران در مقولات نحوی به کار بردند (Croft, 2003: 87). از نظر هسپلمت (Haspelmath, 2006)، مفهوم نشاننداری در آثار زبان‌شناسی در همه سطوح زبانی اعم از واج‌شناسی، معنی‌شناسی، صرف و نحو به‌جای مفاهیمی نظیر پیچیدگی، دشواری، نابهنجاری و هم‌بستگی چندبعدی به‌کار رفته است. اما عواملی که پدیده نشاننداری را موجب می‌شوند از این قرارند: تصویرگونگی، اقتصاد، و بسامد. به این ترتیب که صورت‌های بی‌نشان دارای بسامد بیش‌تر نسبت به صورت‌های نشاندار، کوتاه‌تر و از نظر ارتباطی اقتصادی‌ترند و، در نتیجه، در ارتباط زبانی بیش‌تر به‌کار می‌روند.

سلسله‌مراتب نشاننداری درجات قراردادی شدن بسامد کنش عناصری را نشان می‌دهد که حوزه‌های معنایی یا دستوری یکسان دارند. مثلاً، در حوزه شمار اسامی مفرد بسامد بیش‌تری نسبت به اسامی جمع و اسامی جمع بسامد بیش‌تری نسبت به اسامی مثنی دارند؛ در نتیجه، اسامی مفرد نسبت به اسامی جمع و اسامی جمع نسبت به اسامی مثنی بی‌نشان‌ترند. هدف مقاله حاضر بررسی موارد نشاننداری در صرف اسم و ضمیر در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی شامل کردی سورانی، کرمانجی، تالشی، تاتی (گوش اشتهاردی)، گیلکی، هورامی، مازندرانی، بلوچی و زازاکی است؛ هم‌چنین، برای تکمیل بحث در زمانی، صرف اسم و ضمیر در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه و پارسی نیز بررسی شده است. «اصل کاستن صورت‌ها» (minimized forms principle) هاوکینز (Hawkins, 2004) و دو پیش‌بینی آن، یعنی «پیش‌بینی فهرست صرفی» (morphological inventory prediction) و «پیش‌بینی تمایزهای کاهنده» (declining distinctions prediction) مبنای تحقیق کنونی است. از سال ۱۹۶۵، به‌دنبال آرای چامسکی، فرض بر این بوده که کنش زبانی هیچ تأثیری بر دستور زبان ندارد. طبق دیدگاه‌های زایشی، دستور زبان‌ها را، که در رابطه‌ای نامتقارن با کنش زبانی‌اند، قوه زبانی از پیش تعیین کرده است. زایشی‌ها این نکته را، که قواعد دستوری به‌طور مدام در معرض پردازش زبانی قرار دارند، قبول دارند اما، در عین حال، بر این باورند که پردازش زبانی تأثیر خاصی بر دستور زبان‌ها نداشته است. در مقابل، در نظریه‌ای که هاوکینز ارائه می‌کند، رابطه فشرده‌ای بین کنش زبانی و دستور زبان وجود دارد و زبان‌ها ساخت‌های دستوری را بر اساس میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی در پردازش برمی‌گزینند.

پرسش این است که آیا تغییرات نشاننداری در زبان‌های مذکور مبتنی بر اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن است یا خیر. برای پاسخ به این سؤال، در بخش ۲ اصل کاستن صورت‌ها و پیش‌بینی‌های آن در سطح زبان‌ها معرفی می‌شود. بخش ۳ به بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله ضمیر زبان‌های ایرانی نو

شمال غربی اختصاص دارد و در بخش ۴ این دو پیش‌بینی در صرف اسم این زبان‌ها بررسی می‌شود. بخش ۵ نتیجه‌گیری است.

## ۲. اصل کاستن صورت‌ها

هاوکینز در کتاب خود، کارایی و پیچیدگی در دستورها ( *Efficiency and Complexity in Grammars* )، فرضیه‌ای را به نام «تناظر بین کنش و دستور زبان» ( *performance-grammar* ) ( *correspondence hypothesis* ) معرفی می‌کند که طبق آن زبان‌ها ساخت‌های دستوری را بر اساس میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی در پردازش برمی‌گزینند (3: 2004). بر این اساس، وقتی زبانی در ساخت نحوی خاصی، دارای چند توالی ممکن است، ساختی را در نهایت انتخاب می‌کند و به کار می‌برد که در ارتباط با میزان استفاده در کنش زبانی و راحتی پردازش باشد. الگوهای همبستگی کنش در دستورها با دو مفهوم کارایی ( *efficiency* ) و پیچیدگی ( *complexity* ) شکل می‌گیرند. پیچیدگی با افزایش صورت‌ها و افزایش ویژگی‌های مرتبط با آن صورت‌ها بیش‌تر می‌شود. کارایی ممکن است شامل پیچیدگی بیش‌تر یا کم‌تر، بسته به بازنمودهای نحوی و معنایی، باشد که به یک جمله و پیچیدگی کم‌تری که لازمه آن است تخصیص داده شود. اما بعضی ساخت‌ها از ساخت‌های دیگر کاراترند. هاوکینز سه اصل کارایی را، که از نظر او می‌توان با آن‌ها ارتباط بین کنش زبانی و دستور زبان‌ها را بررسی کرد، معرفی می‌کند. این سه اصل شامل اصل «کاستن حوزه‌ها» ( *minimize domains* )، «کاستن صورت‌ها»، و «افزایش پردازش برخط» ( *maximize on-line processing* ) است. در این جا تأکید ما بر روی اصل کاستن صورت‌ها است. این اصل در مورد صورت‌های زبانی که در یک حوزه مفهومی قرار دارند (مانند عناصر مفرد، مثنی، و جمع در حوزه شمار) پیش‌بینی‌هایی می‌کند: ذهن انسان ترجیح می‌دهد پیچیدگی صوری هر واحد زبانی (اعم از واج، تکواژ، واژه و گروه) و هم‌چنین تعداد صورت‌هایی را که تنها یک مشخصه دارند کم کند و، به این ترتیب، مشخصه‌های بیش‌تری را به صورت‌های کم‌تری اختصاص دهد. این کار باعث سهولت پردازش می‌شود. این اصل به بیان دو پیش‌بینی در مورد صورت‌های نشاندار می‌پردازد که تغییرات نشاننداری را در سطح زبان‌ها تبیین می‌کند:

الف) بر اساس پیش‌بینی اول، هر چه بسامد یک واحد زبانی بیش‌تر و پردازش آن راحت‌تر باشد، پیچیدگی صوری (پیچیدگی واجی، نحوی، و معنایی) آن کم‌تر است، پس بسامد بیش‌تر برابر است با پیچیدگی کم‌تر. در هر سلسله‌مراتب کاربردیناد، عناصری که در

مرتبه بالای آن سلسله‌مراتب قرار دارند پیچیدگی صوری کم‌تری دارند و معمولاً با تکواژ صفر همراه می‌شوند. مثلاً حالت فاعلی، که در حوزه حالت، بیش‌ترین بسامد را دارد، در اغلب زبان‌ها، با تکواژ صفر همراه است (Hawkins, 2012: 134).

ب) بر اساس پیش‌بینی دوم، هرچه بسامد یک واحد زبانی بیش‌تر باشد، ویژگی‌های ترکیبی بیش‌تری در خود دارد و، هر چه بسامد یک واحد زبانی کم‌تر باشد، ویژگی‌های ترکیبی کم‌تری را نشان می‌دهد؛ مثلاً، ضمائر سوم شخص زبان انگلیسی در شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهند (he, she, it)، در حالی که شمار جمع آن‌ها تمایز جنس را نشان نمی‌دهد (they). همین مسئله نشان می‌دهد که ویژگی‌های ترکیبی در شمار مفرد، که بی‌نشان است، بیش‌تر از شمار جمع است که نشاندار به‌شمار می‌رود.

از نظر هاوکینز، با استفاده از پیش‌بینی‌های اصل کاستن صورت‌ها، سلسله‌مراتب نشاننداری گرینبرگ (Greenberg, 1963) را، که امری هم‌زمانی و بین‌زبانی است، می‌توان تبیین کرد. گرینبرگ سلسله‌مراتب نشاننداری را در حوزه شمار، حالت، و جنس دستوری به شکل زیر نمایش می‌دهد:

حوزه شمار: مفرد < جمع < مثنی < سه‌تایی یا چندتایی

حوزه حالت: فاعلی < مفعولی < برایی < غیره

حوزه حالت: مطلق < کنایی < برایی < غیره (برای زبان‌های کنایی)

حوزه جنس دستوری: مذکر < مؤنث < خنثی

بر اساس پیش‌بینی اول اصل کاستن صورت‌ها، جایگاه‌های بالای سلسله‌مراتب (مفرد، فاعلی، مطلق، مذکر) باید پیچیدگی صوری کم‌تری داشته باشند، در حالی که، بر اساس پیش‌بینی دوم، جایگاه‌های بالای سلسله‌مراتب باید ویژگی‌های ترکیبی بیش‌تری را نشان دهند. بر اساس پیش‌بینی دوم اصل کاستن صورت‌ها، می‌توانیم بر تعمیم‌های هم‌زمانی گرینبرگ، پیش‌بینی‌هایی را در سلسله‌مراتب بیان داریم که البته این پیش‌بینی‌ها را می‌توان در خانواده‌ای از زبان‌های مرتبط از دید در زمانی نیز بررسی کرد. پیش‌بینی‌هایی که در داده‌های در زمانی می‌توان به‌کار برد شامل «پیش‌بینی فهرست صرفی» و «پیش‌بینی تمایزهای کاهنده» است.

## ۱.۲ پیش‌بینی فهرست صرفی

پیش‌بینی فهرست صرفی بر اساس «پیش‌بینی دوم» اصل کاستن صورت‌ها است. به بیان دیگر، وجود یکی از مقوله‌های شمار یا حالت در مراتب پایین‌تر یک سلسله‌مراتب حاکی از

وجود مقوله‌های شمار و حالت مجزا در مراتب بالاتر آن سلسله‌مراتب است. به این ترتیب که، اگر زبانی حالت «برایی» مجزا داشته باشد، پیش‌بینی می‌شود حالت مفعولی و فاعلی مجزا نیز داشته باشد. به همین ترتیب، در سلسله‌مراتب شمار، اگر زبانی دارای صورت چندتایی باشد، باید دارای صورت تثنیه مجزا، صورت جمع مجزا، و صورت مفرد مجزا نیز باشد. «در هر سلسله‌مراتب، اگر زبانی حداقل یک تکواژ را به جایگاهی خاص بدهد، حداقل یکی را نیز به‌طور اخص به هر جایگاه بالاتر از آن خواهد داد» (Hawkins, 2004: 65).

پیش‌بینی فهرست صرفی را در مورد داده‌های در زمانی نیز می‌توان به‌کار برد، به این ترتیب که، اگر قرار باشد در طول زمان در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس تلفیقی صورت بگیرد، این تلفیق باید در مراتب پایین‌تر این سلسله‌مراتب‌ها صورت گیرد. مثلاً، در سلسله‌مراتب شمار در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو، حوزه شمار از سه شمار مفرد، جمع و مثنی به دو شمار مفرد و جمع کاهش یافته است و شمار مثنی با شمار جمع تلفیق شده است. در سلسله‌مراتب حالت، اگر زبانی دارای حالت برایی مجزا باشد، دارای حالت مفعولی و فاعلی مجزا نیز خواهد بود؛ مانند آلمانی: Nom/Acc/Dat. حال، اگر این نظام سه‌حالتی تبدیل به یک نظام دو‌حالتی شود، همان‌طور که در تاریخ زبان انگلیسی اتفاق افتاد، حالتی که باید از بین برود، پایین‌ترین مرتبه را در سلسله‌مراتب حالت دارد (برایی) و این حالت باید با حالتی که جایگاه نزدیک به آن را دارد، یعنی حالت مفعولی، تلفیق شود؛ بنابراین الگوی حالت به این شکل درمی‌آید: Nom/AccDat، یا این‌که هر سه حالت با هم تلفیق می‌شوند که در این صورت تمایز حالت از بین می‌رود: NomAccDat. اما این‌که در زبانی حالت برایی مجزا داشته باشیم و حالت فاعلی و مفعولی با هم تلفیق شوند (\*NomAcc/Dat) یا این‌که حالت مفعولی مجزا داشته باشیم و حالت برایی و فاعلی با هم تلفیق شوند (\*NomDat/Acc) از نظر پیش‌بینی فهرست صرفی مجاز نیست. پس امکان‌های مختلف تغییر در حوزه حالت به این شکل است:

جدول ۱. الگوهای مجاز و غیرمجاز تغییر در حوزه حالت

سلسله‌مراتب حالت: فاعلی < مفعولی < برایی	
فاعلی / مفعولی / برایی (Nom/Acc/Dat)	مجاز
فاعلی / مفعولی، برایی (Nom/AccDat)	
فاعلی، مفعولی، برایی (NomAccDat)	
* فاعلی، مفعولی / برایی (*NomAcc/Dat)	غیرمجاز
* فاعلی، برایی / مفعولی (*Nom Dat /Acc)	

در بخش ۳ تغییرات الگوی حالت را در صرف ضمیر در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی و در بخش ۴ تغییرات الگوی حالت را در صرف اسم در این زبان‌ها بررسی می‌کنیم تا ببینیم آیا تغییرات صورت‌گرفته در الگوی حالت در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو شمال غربی بر اساس الگوهای مجاز تغییر در حوزه‌ی حالت است یا خیر؟ و دیگر این‌که هر کدام از این زبان‌ها در صرف اسم و ضمیر در کدام الگوی تغییر قرار دارد؟

## ۲.۲ پیش‌بینی تمایزهای کاهنده

پیش‌بینی تمایزهای کاهنده بر اساس «پیش‌بینی دوم» اصل کاستن صورت‌ها است؛ به این صورت که تعداد تمایزهای صرفی در مقوله بی‌نشان یا باید بیش‌تر از مقوله نشان‌دار باشد یا با آن برابر باشد. «در هر سلسله‌مراتب، تعداد ویژگی‌های ترکیبی، که ارجاعات را به جایگاه مشخصی در آن سلسله‌مراتب نسبت می‌دهند، به تمایزات صرفی کم‌تر یا برابر در مراتب پایین‌تر سلسله‌مراتب منجر می‌شوند» (Hawkins, 2004: 66). مثلاً، در انگلیسی نو، ضمائر مفرد در حالت فاعلی، علاوه بر شمار، مقوله جنس دستوری را نیز در خود دارند (he, she, it)، در حالی که در شکل جمع آن‌ها (they) تمایز جنس وجود ندارد. مثالی دیگر را می‌توان از اوستایی متأخر نام برد که در آن هم ضمائر مفرد سوم شخص و هم شکل جمع آن‌ها مقوله جنسیت را در خود داشته‌اند (جدول ۲). هر دو نظام با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در تطابق‌اند. آنچه بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در زبان‌ها وجود ندارد عکس نظام موجود در انگلیسی است، به این معنی که تعداد تمایزهای جنس دستوری در مقوله جمع بیش‌تر از مفرد باشد. به‌طور کلی، در هر زبانی، در سلسله‌مراتب شمار، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد باید یا بیش‌تر از شمار جمع باشد یا با آن برابر باشد، در سلسله‌مراتب حالت، تعداد تمایزهای صرفی در حالت فاعلی باید بیش‌تر از حالت مفعولی و برایی یا مساوی آن‌ها باشد و، در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای صرفی در جنس مذکر باید بیش‌تر یا برابر با سایر جنس‌های دستوری باشد؛ البته در بعضی از زبان‌ها جنس مؤنث بی‌نشان است (Hawkins, 2004: 72).

در ادامه مقاله، پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده را به‌ترتیب در مقوله ضمیر (بخش ۳) و اسم (بخش ۴) در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی (از منظری درزمانی) بررسی می‌کنیم. البته، برای پیش‌بینی تمایزهای کاهنده فقط ضمیر سوم شخص

این زبان‌ها بررسی می‌شود؛ به این دلیل که تنها در این ضمائر است که می‌توان هر سه تمایز شمار، حالت، و جنس (در صورت وجود) را مشاهده کرد. شایان ذکر است، از آن‌جا که از مادی باستان، که نیای زبان‌های ایرانی نو شمال غربی است، متنی در دست نیست، برای تکمیل بحث در زمانی، صرف اسم و ضمیر در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، پارسی، و فارسی میانه بررسی می‌شود. اگرچه اوستایی، فارسی باستان و فارسی میانه به دیگر شاخه‌های زبان‌های ایرانی متعلق‌اند، شباهت‌های زیادی در صرف اسم و ضمیر این زبان‌ها با زبان‌های ایرانی نو شمال غربی وجود دارد.

### ۳. پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف ضمیر در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، در سلسله‌مراتب شمار در گذر از ایرانی باستان تا زبان‌های ایرانی نو، حوزه شمار از سه شمار مفرد، جمع و مثنی به دو شمار مفرد و جمع کاهش یافته است و شمار مثنی با شمار جمع تلفیق شده است که مطابق پیش‌بینی فهرست صرفی است؛ چرا که شمار مثنی، که پایین‌ترین مرتبه را در سلسله‌مراتب شمار دارد، از بین رفته و با شمار جمع، که کم‌تر از مثنی نشاندار است، تلفیق شده است. در سلسله‌مراتب جنس، جنس خنثی در آن دسته از زبان‌های ایرانی نو شمال غربی شامل تاتی، هورامی، زازاکی و کرمانجی، که تمایز جنس دستوری را در صرف اسم و ضمیر حفظ کرده‌اند، به دو جنس مذکر و مؤنث تقلیل یافته و جنس خنثی از بین رفته است.

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در ضمیر سوم شخص زبان‌ها، در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس دستوری، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد، حالت فاعلی و جنس مذکر باید به ترتیب بیش‌تر از شمار جمع، حالت مفعولی و برابری و جنس مؤنث یا با آن‌ها مساوی آن باشد. به عبارت دیگر، تعداد تمایزهای صرفی در مرتبه بی‌نشان هر سلسله‌مراتب باید یا بیش‌تر از مرتبه نشاندار یا با آن برابر باشد. حال، ابتدا باید نظام ضمائر را در زبان‌های مذکور بررسی کنیم، سپس، بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، مشخص کنیم آیا تغییرات الگوی حالت در زبان‌های ایرانی مطابق تغییرات مجاز در حوزه حالت هست یا خیر؟ و، بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزات صرفی در مقوله‌های بی‌نشان در سلسله‌مراتب شمار، جنس و حالت بیش‌تر از مقوله‌های نشاندار است، با آن‌ها برابر است، یا کم‌تر از آن‌ها است؟

### ۱.۳ اوستایی

جدول ۲ مربوط به صرف ضمیر سوم شخص (اشاره به نزدیک) در اوستایی متأخر است.

جدول ۲. صرف ضمیر اشاره به نزدیک در اوستایی متأخر (Skjærvø, 2007: 938)

ختی	مؤنث	مذکر		
imat	im	aēm	فاعلی	مفرد
imat	imam	iməṃ	مفعولی	
ahmāi	aṇhāy	ahmāi	برایی	
ima	imā	ime	فاعلی	جمع
ima	imā	ima	مفعولی	
aēšam	aṇham	aēšam	برایی	

طبق جدول ۲، الگوی حالت در ضمیر اشاره به نزدیک در اوستایی متأخر به شکل Nom/Acc/Dat است، یعنی هر سه حالت صورت جداگانه دارند. در ضمیر اول شخص مفرد اوستایی متأخر، اول شخص جمع اوستایی باستان، دوم شخص مفرد اوستایی باستان و متأخر نیز الگوی حالت Nom/Acc/Dat است (ibid: 936-939).

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۲، در سلسله‌مراتب شمار، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی جنس و حالت) در شمار مفرد ۷ (aēm, im, imat, iməṃ, imam, ahmāi, aṇhāy) و در شمار جمع ۵ عدد (ime, imā, aēšam, aṇham, ima) است.

در سلسله‌مراتب حالت، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی جنس و شمار) در حالت فاعلی ۶ (ima, imā, ime, imat, im, aēm)، در حالت مفعولی ۵ (ahmāi, aṇhāy, aēšam, aṇham) و در حالت برایی ۴ (imam, iməṃ, imat, ima, imā) عدد است. در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای صوری (تمایزهای ترکیبی حالت و شمار) در جنس مذکر ۶ (aēm, iməṃ, ahmāi, ime, ima, aēšam)، در جنس مؤنث ۵ (imat, ahmāi, ima, aēšam) و در جنس خستی ۴ عدد (im, imam, aṇhāy, imā, aṇham) است.

جدول ۳. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اوستایی متأخر

Sing ≥ Plur 7 5	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 6 5 4	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem ≥ Neut 6 5 4	تمایز حالت و شمار



طبق جدول ۳ در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس به ترتیب مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است و هر سه سلسله‌مراتب با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در تطابق‌اند؛ زیرا تعداد تمایزهای صوری در مقوله‌های بی‌نشان بیش‌تر از مقوله‌های نشاندار است.

### ۲.۳ فارسی باستان

جدول ۴ صرف ضمیر اشاره به نزدیک را در فارسی باستان نشان می‌دهد.

جدول ۴. صرف ضمیر اشاره به نزدیک در فارسی باستان (Skjærvø, 2002: 95)

مذکر	مونث	خشتی	
iyam	iyam	ima	فاعلی
imam	imām	ima	مفعولی
-	ahayāyā <sup>h</sup>	-	برایی
imaiy	imā	-	فاعلی
imaiy	imā	-	مفعولی
imaišām	-	-	برایی

طبق جدول ۴، الگوی حالت در ضمیر سوم شخص به شکل Nom/Acc/Dat است، یعنی هر سه حالت صورت جدا دارند. ضمیر اول شخص مفرد نیز در سه حالت فاعلی، مفعولی، و برایی تصریف جدا دارد که باز هم الگوی حالت Nom/Acc/Dat است. در دیگر ضمائر شخصی، به‌دلیل پیکره محدود زبانی، ساخت ضمائر ناقص است (Skjærvø, 2007: 936-938).

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۴، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار و جنس نشان می‌دهد که به‌ترتیب مفرد و مذکر بی‌نشان هستند اما، در سلسله‌مراتب حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نقض شده که احتمالاً به‌دلیل پیکره ناقص زبانی است.

جدول ۵. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در فارسی باستان

Sing ≥ Plur 5 3	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 4 5 2	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem ≥ Neut 4 4 1	تمایز حالت و شمار

### ۳.۳ فارسی میانه

ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی فارسی میانه مانوی an و در پهلوی az است. چنان‌که مشاهده می‌شود، در نظام ضمائر فارسی میانه، تنها در اول شخص مفرد تمایز حالت وجود دارد و در بقیه ضمائر تمایز حالت از بین رفته است.

جدول ۶. نظام ضمائر فارسی میانه (Skjærvø, 2009: 208)

3p	2p	1p	3s	2s	1s	حالت
awīn	ašmāh	amah	ōy	tō	an	مستقیم
awīn	ašmāh	amah	ōy	tō	man	غیرمستقیم

طبق جدول ۶، الگوی حالت در ضمیر اول شخص مفرد فارسی میانه به شکل Nom/AccDat است. سایر ضمائر فارسی میانه تمایز حالت را از دست داده‌اند و الگوی حالت برای آن‌ها به شکل NomAccDat است، به این معنی که در هر سه حالت این ضمائر به یک شکل می‌آیند.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در ضمیر سوم شخص فارسی میانه، تمایز جنس و حالت از بین رفته است. طبق جدول ۶، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار و حالت در فارسی میانه این‌گونه است:

جدول ۷. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در فارسی میانه

Sing ≥ Plur 1 1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2	تمایز شمار

تعداد تمایزها در شمار مفرد و جمع برابر است (هر دو یک صورت را نشان می‌دهند) که با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیز مطابقت دارد؛ به این معنا که تعداد تمایزها در مقوله بی‌نشان (مفرد) با تعداد تمایزها در مقوله نشاندار (جمع) یکی است.

### ۴.۳ پارتی

در پارتی نیز، مانند فارسی میانه، در ضمیر اول شخص و احتمالاً در دوم شخص مفرد تمایز حالت حفظ شده است (ibid) و، در بقیه ضمائر، تمایز حالت و نیز تمایز جنس از بین رفته است.

جدول ۸. نظام ضمائر پارتی (ibid)

3p	2p	1p	3s	2s	1s	حالت
hawīn	ašmāh	amah	hō	*tu	az	مستقیم
hawīn	ašmāh	amah	hō	tō	man	غیرمستقیم

طبق جدول ۸، الگوی حالت برای ضمیر اول شخص در پارتی به شکل Nom/AccDat و برای سایر ضمائر به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص پارتی، تعداد تمایزهای صوری نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۹. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در پارتی

Sing ≥ Plur 1 1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2	تمایز شمار

### ۵.۳ تاتی جنوبی

در بررسی گویش‌های تاتی، صرف اسم و ضمیر را در گویش اشتهااردی، که نسبت به سایر گویش‌ها تمایزات صرفی را بیش‌تر حفظ کرده است، آورده‌ایم:

جدول ۱۰. نظام ضمائر اشتهااردی (Yar-Shater, 1969)

3p	2p	1p	3s.f	3s.m	2s	1s	حالت
āhā	šemā	camā	ā	a	tō	az	مستقیم
jiun	šemā	camā	juā	ji	eštā	cemen	غیرمستقیم

طبق جدول ۱۰، الگوی حالت در اشتهااردی، به جز اول شخص و دوم شخص جمع که به شکل NomAccDat است، در سایر ضمائر، به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۱۰، تعداد تمایزات صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت و جنس نشان می‌دهد که، به ترتیب، مفرد، فاعلی و مذکر بی‌نشان است.

جدول ۱۱. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اشتهااردی

Sing ≥ Plur 4 2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 3 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار

### ۶.۳ هورامی

در هورامی، در ضمایر اول و دوم شخص تمایز حالت از بین رفته و تنها در ضمایر سوم شخص تمایز حالت به جا مانده است.

جدول ۱۲. ضمایر شخصی در هورامی (MacKenzie, 1966: 24)

3p	2p	1p	3s.f	3s.m	2s	1s	حالت
āḏ-e	šīmá	emá	āḏ-a	āḏ	to	mīn	مستقیم
āḏiš-ā	šīmá	emá	āḏ-e	āḏ-i	to	mīn	غیرمستقیم

طبق جدول ۱۲، شکل ضمیر سوم شخص در حالت مفعولی/ برایی و فاعلی متفاوت است. الگوی حالت در ضمایر اول و دوم شخص مفرد و جمع به شکل NomAccDat و در ضمایر سوم شخص مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۱۲، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت، و جنس نشان می‌دهد که، به ترتیب، مفرد، فاعلی، و مذکر بی‌نشان است.

جدول ۱۳. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در هورامی

Sing ≥ Plur 4      2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 3      3      3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2      2	تمایز حالت و شمار

### ۷.۳ زازاکی

در زازاکی، به استثنای ضمایر اول شخص و دوم شخص جمع، در بقیه ضمایر، تمایز حالت حفظ شده است.

جدول ۱۴. نظام ضمایر زازاکی (Todd, 2008: 44-45; Paul, 2009: 551)

3p	2p	1p	3s.f	3sm	2s	1s	حالت
ē	šimā	mā	ā	o	ti	ez	مستقیم
īnān	šimā	mā	āy	ey	to	min	غیرمستقیم

طبق جدول ۱۴، الگوی حالت در ضمائر اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و جمع به صورت Nom/AccDat است و در ضمائر اول شخص و دوم شخص جمع به صورت NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۱۴، تعداد تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار، حالت، و جنس نشان می‌دهد که، به ترتیب، مفرد، فاعلی، و مذکر بی‌نشان است.

جدول ۱۵. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در زازاکی

Sing ≥ Plur 4      2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 3      3      3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2      2	تمایز حالت و شمار

### ۸.۳ کرمانجی

نظام ضمائر کرمانجی تمایز حالت را در همه ضمائر نشان می‌دهد و از این لحاظ کرمانجی بیش‌ترین تمایز حالت را در مقوله ضمیر نسبت به سایر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی حفظ کرده است.

جدول ۱۶. نظام ضمائر کرمانجی (Thackston, 2006: 17)

3p	2p	1p	3s.f	3sm	2s	1s	حالت
ew	hun	em	ew	ew	tu	ez	مستقیم
wan	we	me	wê	wî	te	min	غیرمستقیم

طبق جدول ۱۶، الگوی حالت در همه ضمائر به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۱۶، تمایزهای صوری در سلسله‌مراتب شمار و جنس نشان می‌دهد که مفرد و مذکر بی‌نشان است. اما، در سلسله‌مراتب حالت، تعداد تمایزهای صوری در حالت فاعلی کم‌تر از دو حالت دیگر است که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست.

۹۲ بررسی سلسله‌مراتب نشان‌داری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

جدول ۱۷. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در کرمانجی

Sing ≥ Plur 3 1	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار

### ۹.۳ گیلکی

ضمایر شخصی در گیلکی به دو دسته فاعلی و مفعولی / برایی تقسیم می‌شوند (Stilo, 1992: 666; Rastorgueva et al., 2012: 83-87). در ضمیر گیلکی تمایز جنس وجود ندارد.

جدول ۱۸. نظام ضمایر گیلکی (Stilo, 1992: 666)

فاعلی		مفعولی	
غربی	شرقی	غربی	شرقی
mən	mu	mə'ra	mæ
tu	tu	tə'ra	tæ
a	u	ána	únæ
ama(n)	amo	amá-ra	amá-ra
šuman	šemu	šumá-ra	šamá-ra
ašan	ušon	ašán-a	ašón-a

طبق جدول ۱۸، الگوی حالت در همه ضمایر گیلکی به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صوری در عناصر موجود در حوزه‌های شمار و حالت برابر و مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول ۱۹. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در گیلکی

Sing ≥ Plur 2 2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2	تمایز شمار

### ۱۰.۳ مازندرانی

ضمایر شخصی در مازندرانی به دو دسته فاعلی و مفعولی / برایی تقسیم می‌شوند.

جدول ۲۰. نظام ضمایر مازندرانی (Stilo, 2009: 6)

3p	2p	1p	3s	2s	1s	حالت
vešun	šemā	āmā, emā	ve	te	men	فاعلی
vešun-re	šemā-re	āmā-re	ve-re	te-re	me-re	مفعولی / برای

در مازندرانی نیز الگوی حالت در همه ضمایر به شکل Nom/AccDat است. در مازندرانی نیز تمایز جنس از بین رفته و ضمایر شخصی تنها تمایز حالت را نشان می‌دهند. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صوری در عناصر موجود در حوزه‌های شمار و حالت برابر و مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول ۲۱. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در مازندرانی

Sing ≥ Plur 2      2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

### ۱۱.۳ تالشی

ضمایر شخصی در تالشی در دو حالت مستقیم و غیرمستقیم می‌آیند، اما تمایز حالت را فقط می‌توان در اول شخص مفرد و ضمایر سوم شخص مفرد و جمع دید. در بقیه ضمایر تمایز حالت از بین رفته است.

جدول ۲۲. نظام ضمایر در گویش‌های تالشی (Paul, 2011: 81)

	حالت مستقیم			حالت غیرمستقیم		
	شمالی	مرکزی	جنوبی	شمالی	مرکزی	جنوبی
1s	âz	az	az	mâ(n)/ mânə	mən	mə(n)
2s	tə	tə	tə	tə	tə	tə
3s	av	a	a	ave	ai	ai
1p	ama	ama	ama	ama	ama	ama
2p	šəma	šəma	šəma	šəma	šəma	šəma
3P	avun/avün	ae	aven	avun/avün	amun	avun

طبق جدول ۲۲، می‌توان نتیجه گرفت الگوی حالت در تالشی در ضمیر اول شخص مفرد و ضمایر سوم شخص مفرد همه گویش‌ها و ضمایر سوم شخص جمع در گویش مرکزی و جنوبی به شکل Nom/AccDat و، در سایر ضمایر شخصی، به شکل NomAccDat است. در ضمیر سوم شخص جمع تالشی شمالی، الگوی حالت به شکل NomAccDat است. در تالشی نیز ضمایر شخصی تنها تمایز حالت را نشان می‌دهند و تمایز جنس از بین رفته است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، جدول مربوط به تمایزهای صرفی در تالشی جنوبی و مرکزی نشان از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده دارد.

جدول ۲۳. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در تالشی مرکزی و جنوبی

Sing ≥ Plur 2            2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2            2            2	تمایز شمار

در تالشی شمالی، از آن‌جا که تمایز حالت در شمار جمع از بین می‌رود، تعداد تمایزهای صرفی در شمار مفرد ۲ عدد و در شمار جمع ۱ عدد است.

### ۱۲.۳ بلوچی

صرف همه ضمایر شخصی در گویش‌های بلوچی در حالت مفعولی و برای یکی است.

جدول ۲۴. نظام ضمایر بلوچی (Jahani, 2003: 118)

3	2	1		
ē, ā	taw/ta	man	فاعلی	مفرد
ēšīrā, āīrā	tarā	manā/mnā	مفعولی / برایی	
ē, ā	šumā	mā	فاعلی	جمع
ēšān(ā), āwān(ā)/ā yān(ā)/āhān(ā)	šumārā	mārā	مفعولی / برایی	

در همه ضمایر بلوچی، الگوی حالت به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی در سلسله‌مراتب شمار حاکی از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است، اما، در سلسله‌مراتب حالت، تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کم‌تر از دو حالت دیگر است که مطابق این پیش‌بینی نیست.



جدول ۲۵. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در بلوچی

Sing ≥ Plur 2      2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1      2      2	تمایز شمار

### ۱۳.۳ سورانی

در سورانی و نیز کلهری تمایز حالت در همه ضمائر از بین رفته است.

جدول ۲۶. نظام ضمائر سورانی (Haig, 2008: 280)

3p	2p	1p	3s	2s	1s	حالت
awān	ēwa	ēma	aw, am	tō	mīn	Dir/Obl

طبق جدول، الگوی حالت در همه ضمائر به شکل NomAccDat است. در ضمیر سوم شخص، تمایز جنس و حالت از بین رفته است. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۲۶، نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۲۷. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در سورانی و کلهری

Sing ≥ Plur 1      1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

تعداد تمایزها در شمار مفرد و جمع برابر است که با پیش‌بینی تمایزهای کاهنده مطابقت دارد.

### ۱۴.۳ خلاصه پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر

#### زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، تغییرات الگوی حالت در مقوله ضمیر در زبان‌های ایرانی بر اساس ترتیب مجاز الگوی حالت قابل تبیین است و هیچ کدام از زبان‌های ایرانی از الگوهای مجاز تغییر در حوزه حالت (Nom/Acc/Dat؛ Nom/Acc/Dat؛ Nom/Acc/Dat) تخطی نکرده است. جدول ۲۸ الگوهای حالت را در مقوله ضمیر در زبان‌های ایرانی شمال غربی نشان می‌دهد.

جدول ۲۸. الگوهای حالت در مقوله ضمیر در زبان‌های ایرانی شمال غربی

Nom/Acc/Dat	Nom/Acc/Dat	Nom/Acc/Dat	
هورامی، سورانی، کلهری	فارسی میانه، پارتی، گیلکی، مازندرانی، تالشی، تاکستانی، بلوچی، کرمانجی، زازاکی	اوستایی متأخر، فارسی باستان	1s
فارسی میانه، پارتی، تالشی، سورانی، کلهری، هورامی	گیلکی، مازندرانی، تاکستانی، بلوچی، کرمانجی، زازاکی	اوستایی باستان و متأخر	2s
فارسی میانه، پارتی، سورانی، کلهری	گیلکی، مازندرانی، تالشی، بلوچی	تاکستانی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	3s.m
		تاکستانی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	3s.f
فارسی میانه، پارتی، سورانی، کلهری، هورامی، تالشی، زازاکی، تاکستانی	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی	اوستایی باستان	1p
فارسی میانه، پارتی، سورانی، کلهری، هورامی، تالشی، زازاکی، تاکستانی	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی	-	2p
فارسی میانه، پارتی، سورانی، کلهری، تالشی شمالی	گیلکی، مازندرانی، بلوچی، کرمانجی، هورامی، زازاکی، تالشی مرکزی و جنوبی، تاکستانی	اوستایی باستان و متأخر	3p

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی را در ضمیر سوم شخص زبان‌های ایرانی شمال غربی از منظری در زمانی بررسی کردیم. در سلسله‌مراتب شمار، داده‌های همه زبان‌ها حاکی از بی‌نشان بودن شمار مفرد و نشاندار بودن شمار جمع است؛ به این معنا که تعداد تمایزهای جنس و حالت در همه زبان‌ها یا در شمار مفرد بیش‌تر از شمار جمع است یا در هر دو برابر است (← جدول‌های ۲۹ و ۳۰). در سلسله‌مراتب حالت، به‌جز در فارسی باستان (احتمالاً به‌دلیل پیکره ناقص زبانی)، کرمانجی و بلوچی، که تعداد تمایزهای ترکیبی در حالت فاعلی در آن‌ها کم‌تر است، در بقیه زبان‌ها، تعداد تمایزهای شمار و جنس (در صورت وجود) در حالت فاعلی بیش‌تر از حالت مفعولی و برایی یا مساوی با آن‌ها است. در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای ترکیبی شمار و حالت یا در جنس مذکر بیش‌تر است (اوستایی متأخر) یا در جنس مذکر و مؤنث مساوی است (سایر زبان‌ها) که نشان می‌دهد، در سلسله‌مراتب جنس، جنس مذکر بی‌نشان است (← جدول ۲۹). در میان زبان‌های مورد مطالعه، اوستایی متأخر بیش‌ترین تمایز جنس و حالت را نشان می‌دهد.

جدول زیر تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌های شمار، حالت، و جنس را در زبان‌های دارای جنس دستوری نشان می‌دهد:

جدول ۲۹. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص در زبان‌های ایرانی شمال غربی دارای جنس

تمایز شمار و حالت در جنس Masc ≥ Fem ≥ Neut	تمایز جنس و شمار در حالت Nom ≥ Acc ≥ Dat	تمایز حالت و جنس در شمار Sing ≥ Plur	
6 5 4	6 5 4	7 5	اوستایی متأخر
4 4 1	4 5 2	5 3	فارسی باستان
2 2	3 3 3	4 2	هورامی، زازاکی، اشتهاردی
2 2	1 3 3	3 1	کرمانجی

جدول ۳۰ تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌های شمار و حالت را در زبان‌های بدون جنس دستوری نشان می‌دهد.

جدول ۳۰. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در ضمیر سوم شخص در زبان‌های ایرانی شمال غربی بدون جنس

تمایز شمار در حالت Nom ≥ Acc ≥ Dat	تمایز حالت در شمار Sing ≥ Plur	
2 2 2	2 2	گیلکی، مازندرانی، تالشی مرکزی و جنوبی
2 2 2	2 1	تالشی شمالی
1 2 2	2 2	بلوچی
2 2 2	1 1	فارسی میانه، پارتی، سورانی و کلهری

#### ۴. بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده در مقوله اسم در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

در این بخش، پیش‌بینی فهرست صرفی و پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف اسم در زبان‌های ایرانی نو شمال غربی بررسی می‌شود. ابتدا صرف اسم را در زبان‌های مذکور بررسی می‌کنیم، سپس، بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، مشخص می‌کنیم آیا تغییرات الگوی حالت در زبان‌های ایرانی مطابق تغییرات مجاز در سلسله‌مراتب حالت هست یا خیر؟ و، بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، آیا تعداد تمایزات صرفی در مقوله‌های

بی‌نشان در حوزه‌های شمار، جنس، و حالت بیش‌تر از مقوله‌های نشاندار، مساوی یا کم‌تر از آن‌ها است. البته باید توجه داشت که زبان‌های میانه و زبان‌های نو به‌سمت تحلیلی شدن گرایش پیدا کرده‌اند و در بیش‌تر موارد برای نشان دادن حالت برایی از حروف اضافه استفاده می‌کنند. با این حال، می‌توان مواردی را در پیکره این زبان‌ها یافت که، در آن، حالت برایی با همان نشانه‌ای به‌کار رفته که اسم در حالت مفعولی می‌گیرد، یا اسم نه در حالت مفعولی و نه در حالت برایی نشانه‌ی حالت نمی‌گیرد.

#### ۱.۴ اوستایی متأخر

جدول ۳۱ صرف اسم‌های مذکر مختوم به -a، اسم‌های مؤنث مختوم به -ā، و اسم‌های خنثی مختوم به -h را در اوستایی متأخر نشان می‌دهد (Skjærvø, 2007: 923-931؛ رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ۶۶).

جدول ۳۱ صرف اسم‌های مذکر مختوم به -a، اسم‌های مؤنث مختوم به -ā، و اسم‌های خنثی مختوم به -h

جمع			مفرد			
خنثی	مؤنث	مذکر	خنثی	مؤنث	مذکر	
-ā	-ā	-a, -aṅho	-ō	-a	-ō	فاعلی
-ā	-ā	-a	-ō	-am	-am	مفعولی
-ābiiō	-ābiiō	-āē'biio	-aṅhe	-aiiāi	-āi	برایی

طبق جدول ۳۱، صرف اسم اوستایی متأخر در حالت‌های فاعلی، مفعولی، و برایی متفاوت است، بنابراین الگوی حالت به‌شکل Nom/Acc/Dat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۳۱، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم اوستایی متأخر نشان می‌دهد که تعداد تمایزها در حوزه شمار و جنس رعایت شده اما در حوزه حالت رعایت نشده است.

جدول ۳۲. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم اوستایی متأخر

Sing ≥ Plur 7      6	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 4      5      6	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem ≥ Neut 6      5      4	تمایز حالت و شمار

## ۲.۴ فارسی باستان

در فارسی باستان نیز، مانند اوستایی متأخر، صرف اسم در حالت‌های فاعلی، مفعولی، و برایی متفاوت است (Skjærvø, 2007: 923-931؛ رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ۶۷).

جدول ۳۳. صرف اسم‌های مذکر مختوم به *-a*، اسم‌های مؤنث مختوم به *-ā*،

و اسم‌های خنثی مختوم به *-h* در فارسی باستان

جمع			مفرد			
خنثی	مؤنث	مذکر	خنثی	مؤنث	مذکر	
-	-ā	-ā, -āha	-ā	-ā	-a	فاعلی
-	-ā	-ā	-am	-ām	-am	مفعولی
-	-ānām	-ānām	-	-āyā	-ahyā	برایی

طبق جدول ۳۳، الگوی حالت در صرف اسم فارسی باستان به شکل Nom/Acc/Dat

است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۳۳، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم فارسی باستان نشان می‌دهد که در حوزه حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت نشده است (البته، وقتی که پسوند اسم جمع مذکر را در حالت فاعلی *-āha* در نظر بگیریم، تعداد تمایزهای صرفی در جنس مذکر ۶ و حالت فاعلی ۳ عدد می‌شود که، در این صورت، در سلسله‌مراتب حالت تخطی صورت نگرفته است).

جدول ۳۴. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم فارسی باستان

Sing ≥ Plur 6 4	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem ≥ Neut 6 5 2	تمایز حالت و شمار

## ۳.۴ پارتی و فارسی میانه

صرف اسم در دوره میانه زبان‌های ایرانی غربی از سه مرحله می‌گذرد (Haig, 2008: 100).

یک) در مراحل آغازی، نظام حالت به شکل زیر بوده است (جدول ۳۵):

جدول ۳۵. صرف اسم در مرحله اول ایرانی میانه غربی

حالت	مفرد	جمع
مستقیم	-∅	-∅
غیرمستقیم	*-ē	-ān

متنی در دست نیست که صرف اسم را در این مرحله نشان دهد (Haig, 2008: 100). می‌توان نتیجه گرفت، در مراحل آغازی پارتی و فارسی میانه (مرحله اول)، که متنی از آن در دست نیست، الگوی حالت در هر دو شمار مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است.

طبق جدول ۳۵، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در مرحله اول به شکل زیر است (← جدول ۳۶):

جدول ۳۶. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در ایرانی میانه غربی - مرحله اول

Sing ≥ Plur 2 2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 2 2	تمایز شمار

تعداد تمایزها در حوزه حالت مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست؛ چرا که تعداد تمایزهای صرفی در مقوله نشاندار بیش‌تر از مقوله بی‌نشان است.

دو) در مرحله دوم در فارسی میانه و پارتی، تمایز حالت از بین می‌رود و تنها در حالت غیرفاعلی در شمار جمع (-ān) به جای می‌ماند (Skjærvø, 2009: 205).

جدول ۳۷. صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی

حالت	مفرد	جمع
مستقیم	-∅	-∅
غیرمستقیم	-∅	-ān

در مرحله دوم الگوی حالت در شمار مفرد به صورت Nom/AccDat و در شمار جمع به صورت Nom/AccDat است که، از نظر رده‌شناختی، استثنا به شمار می‌آید؛ چرا که شمار جمع تمایز حالت را نشان می‌دهد، اما در شمار مفرد تمایز حالت دیده نمی‌شود. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۳۷، تمایزهای صرفی در حوزه شمار و حالت مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست.

جدول ۳۸. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در ایرانی میانه غربی - مرحله دوم

Sing ≥ Plur 1 2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 2 2	تمایز شمار

سه) در مرحله آخر، تمایز حالت مستقیم و غیرمستقیم در شمار جمع از بین می‌رود و پسوند -ān، که در اصل نشانه حالت غیرمستقیم در شمار جمع بود، به نشانه جمع تبدیل می‌شود.

جدول ۳۹. صرف اسم در مرحله سوم ایرانی میانه غربی

جمع	مفرد	حالت
-ān	-∅	مستقیم
-ān	-∅	غیرمستقیم

در مرحله سوم که تمایز حالت از بین رفته، الگوی حالت در اسامی مفرد و جمع به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۳۹، تعداد تمایزهای صرفی در سلسله‌مراتب حالت و شمار حاکی از رعایت پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

جدول ۴۰. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در ایرانی میانه غربی - مرحله سوم

Sing ≥ Plur 1 1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 222	تمایز شمار

#### ۴.۴ تاتی

جدول ۴۱ صرف اسم را در گویش اشتهاردی نشان می‌دهد.

جدول ۴۱. صرف اسم در اشتهاردی (Yar-Shater, 1969: 79)

مؤنث	مذکر		
-a	-	Dir.	مفرد
-ā	-e	Obl.	
	-ehā	Dir.	جمع
	-u' (n)	Obl.	

۱۰۲ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

طبق جدول، الگوی حالت در اسم‌های مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم در اشتهااردی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۴۲. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در اشتهااردی

Sing ≥ Plur 4 2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 3 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار

#### ۵.۴ هورامی

در مقوله اسم در هورامی، شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهد اما در شمار جمع تمایز جنس وجود ندارد.

جدول ۴۳. صرف اسم در هورامی (MacKenzie, 1966: 14)

مؤنث	مذکر		
-a	-	Dir	مفرد
-e	-i	Obl	
	-e	Dir	جمع
	-ā	Obl	

طبق جدول ۴۳، الگوی حالت در اسم‌های مفرد و جمع به شکل Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، با توجه به جدول ۴۳، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در هورامی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۴۴. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم هورامی

Sing ≥ Plur 4 2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 3 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار



## ۶.۴ زازاکی

در اسم در زازاکی، شمار مفرد تمایز جنس را نشان می‌دهد اما، در شمار جمع، تمایز جنس وجود ندارد.

جدول ۴۵. صرف اسم در زازاکی (Todd, 2008: 39)

	masc.	fem.
Dir	-∅	-∅
Obl	-ī	-er
Dir	-ī	
Obl	-ān	

طبق جدول ۴۵، تصریف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است، در نتیجه، الگوی حالت به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۴۵، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم در زازاکی نشان می‌دهد که، به جز در حوزه حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است:

جدول ۴۶. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در زازاکی

Sing ≥ Plur 3 2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار

## ۷.۴ کرمانجی

در صرف اسامی مفرد در کرمانجی، در حالت مستقیم، تمایز حالت و جنس وجود ندارد؛ در حالی که، در حالت غیرمستقیم، در شمار مفرد، تمایز حالت و جنس مشاهده می‌شود که از نظر رده‌شناختی استثنا به شمار می‌آید.

جدول ۴۷. صرف اسم در کرمانجی (Haig, 2008: 207)

جمع	مؤنث	مذکر	
-∅	-∅	-∅	Dir
-a(n)	-ē	-ī, -∅, umlaut	Obl

۱۰۴ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

با توجه به داده‌های فوق، الگوی حالت در کرمانجی به شکل Nom/AccDat است. البته، در جایی که اسم مذکر در حالت غیرفاعلی نشانه حالت نمی‌گیرد، الگوی حالت به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق جدول ۴۷، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در کرمانجی نشان می‌دهد که، به جز در حوزه حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۴۸. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در کرمانجی

Sing ≥ Plur 3 2	تمایز جنس و حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1 3 3	تمایز جنس و شمار
Masc ≥ Fem 2 2	تمایز حالت و شمار

#### ۸.۴ گیلکی

در گیلکی، صرف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است.

جدول ۴۹. صرف اسم در گیلکی (Rastorgueva et al., 2012: 56)

جمع	مفرد	حالت
án	-	فاعلی
án-a	-a	مفعولی / برایی

الگوی حالت در صرف اسم گیلکی، طبق جدول ۴۹، همانند الگوی حالت در ضمیر به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در گیلکی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۵۰. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم گیلکی

Sing ≥ Plur 2 2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2 2 2	تمایز شمار

## ۹.۴ مازندرانی

در مازندرانی، صرف اسم در حالت فاعلی متفاوت از حالت مفعولی و برایی است.

جدول ۵۱. صرف اسم در مازندرانی (Stilo, 2009)

حالت	مفرد	جمع
فاعلی	-	-un
مفعولی / برایی	-(r)e	un-(r)e

طبق جدول ۵۱، الگوی حالت در مازندرانی، در اسم‌ها همانند ضمائر به شکل Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۵۲. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در مازندرانی

Sing ≥ Plur 2      2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

## ۱۰.۴ تالشی

جدول ۵۳. صرف اسم merd «مرد» در تالشی (Paul, 2011: 67)

گوش	مستقیم	غیرمستقیم	
شمالی	merd	merd-ə	مفرد
مرکزی	merd	merd-i	
جنوبی	merd	merd-i	
شمالی	merd-un/-ün/-ân		جمع
مرکزی	merd-e	merd-un/-mun	
جنوبی	merd-e	merd-ân	

الگوی حالت در اسم مفرد در گوش‌های تالشی به صورت Nom/AccDat است. در اسم جمع، الگوی حالت در گوش جنوبی و مرکزی به صورت Nom/AccDat و، در گوش شمالی، به صورت Nom/AccDat است. در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، طبق

۱۰۶ بررسی سلسله‌مراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبان‌های ایرانی نو شمال غربی

جدول ۵۵، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در گویش‌های مرکزی و جنوبی نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۵۴، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در گویش‌های مرکزی و جنوبی تالشی

Sing ≥ Plur 2      2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

در گویش‌های مرکزی و جنوبی تالشی، صرف اسم در هر دو سلسله‌مراتب شمار و حالت، تمایزات صرفی برابر را در مقوله بی‌نشان و نشاندار نشان می‌دهد که مطابق پیش‌بینی تمایزهای کاهنده است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در اسم در گویش شمالی تالشی، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها نشان می‌دهد که پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت شده است.

جدول ۵۵، تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در گویش شمالی تالشی

Sing ≥ Plur 2      1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

#### ۱۱.۴ بلوچی

جهانی نظام صرف اسم پایه را در گویش‌های جنوبی و غربی بلوچی مطابق جدول زیر آورده است. اسم در حالت فاعلی جمع نشانه‌ای ندارد.

جدول ۵۶، صرف اسم در بلوچی (Jahani, 2003: 118)

جمع	مفرد	
-Ø	-Ø	فاعلی
-ān/ā	-ā/rā	مفعولی / برایی

طبق جدول ۵۶، الگوی حالت در بلوچی به صورت Nom/AccDat است.

در بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در بلوچی نشان می‌دهد که، در حوزه حالت، پیش‌بینی تمایزهای کاهنده رعایت نشده است.

جدول ۵۷. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم بلوچی

Sing ≥ Plur 2      2	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 1      2      2	تمایز شمار

#### ۱۲.۴ سورانی و کلهری

در سورانی و کلهری، تصریف اسم از بین رفته و تنها تمایز شمار در اسم باقی مانده است.

جدول ۵۸. صرف اسم در سورانی و کلهری

جمع	مفرد	
-ān, eyl <sup>1</sup>	∅	Dir, Obl

الگوی حالت به شکل NomAccDat است.

در بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی، با توجه به جدول ۵۶، تعداد تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب در اسم در سورانی و کلهری مطابق پیش‌بینی فهرست صرفی است.

جدول ۵۹. تمایزهای صرفی سلسله‌مراتب‌ها در اسم در سورانی و کلهری

Sing ≥ Plur 1      1	تمایز حالت
Nom ≥ Acc ≥ Dat 2      2      2	تمایز شمار

#### ۱۳.۴ خلاصه پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده در مقولۀ اسم در

##### زبان‌های ایرانی شمال غربی

با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس پیش‌بینی فهرست صرفی، تغییرات الگوی حالت در مقولۀ اسم در زبان‌های ایرانی، همانند مقولۀ ضمیر، بر اساس ترتیب مجاز الگوی حالت قابل تبیین است و هیچ‌کدام از زبان‌های ایرانی مورد مطالعه در این تحقیق از الگوهای مجاز تغییر در الگوی حالت (NomAccDat:Nom/AccDat:Nom/Acc/Dat) تخطی نکرده‌اند (← جدول ۶۰).

جدول ۶۰. الگوهای حالت در مقوله اسم در زبان‌های ایرانی شمال غربی

NomAccDat	Nom/AccDat	Nom/Acc/Dat	
ایرانی میانه غربی (مرحله دوم و سوم) سورانی و کلهری	ایرانی میانه غربی (مرحله اول)، گیلکی، مازندرانی، تالشی، اشتهاردی، بلوچی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	اوستایی متأخر، فارسی باستان	مفرد
ایرانی میانه غربی (مرحله سوم)، تالشی شمالی، سورانی، کلهری	ایرانی میانه غربی (مرحله اول و دوم)، گیلکی، مازندرانی، تالشی جنوبی و مرکزی، اشتهاردی، بلوچی، هورامی، کرمانجی، زازاکی	اوستایی متأخر، فارسی باستان	جمع

بر اساس پیش‌بینی تمایزهای کاهنده، در سلسله‌مراتب شمار، به استثنای صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی، که تمایزهای صرفی در شمار مفرد کم‌تر از شمار جمع است، داده‌های سایر زبان‌ها حاکی از وجود تمایزات صرفی برابر یا بیش‌تر در شمار مفرد (مقوله بی‌نشان) است (← جدول‌های ۶۱ و ۶۲). در سلسله‌مراتب حالت در زبان‌های اوستایی متأخر، فارسی باستان، مرحله اول و دوم ایرانی میانه غربی، زازاکی، کرمانجی و بلوچی، تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کم‌تر از حالت مفعولی و برابری است که منطبق بر پیش‌بینی تمایزهای کاهنده نیست. در سایر زبان‌ها، تمایزهای صرفی در حالت فاعلی یا بیش‌تر از حالت مفعولی و برابری است یا با آن‌ها برابر است. داده‌های همه زبان‌ها در سلسله‌مراتب جنس نشان می‌دهد که جنس مذکر نسبت به جنس مؤنث و جنس خنثی (در ایرانی باستان) بی‌نشان‌تر است، به این معنی که یا تعداد تمایزات صرفی در جنس مذکر بیش‌تر است (اوستایی متأخر، فارسی باستان، بعضی از گویش‌های تاتی)، یا تعداد تمایزات صرفی در هر دو جنس برابر است (هورامی، زازاکی، اشتهاردی، کرمانجی) (← جدول ۶۱).

صرف اسم در سلسله‌مراتب شمار، حالت، و جنس در زبان‌های دارای جنس دستوری به‌شکل زیر است:

جدول ۶۱. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله اسم در زبان‌های ایرانی شمال غربی دارای جنس دستوری

تمایز شمار و حالت در جنس Masc ≥ Fem ≥ Neut	تمایز جنس و شمار در حالت Nom ≥ Acc ≥ Dat	تمایز حالت و جنس در شمار Sing ≥ Plur	
6 5 4	4 5 6	7 6	اوستایی متأخر
6 5 2	2 3 3	6 4	فارسی باستان
2 2	3 3 3	4 2	اشتهاردی، هورامی
2 2	2 3 3	3 2	زازاکی
2 2	1 3 3	3 2	کرمانجی

صرف اسم در سلسله‌مراتب شمار و حالت در زبان‌های بدون جنس دستوری در جدول ۶۲ آمده است:

جدول ۶۲. بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در مقوله اسم در زبان‌های ایرانی شمال غربی بدون جنس دستوری

تمایز شمار در حالت Nom ≥ Acc ≥ Dat	تمایز حالت در شمار Sing ≥ Plur	
2 2 2	2 2	گیلکی، مازندرانی، تالشی مرکزی و جنوبی
1 2 2	2 2	مرحله اول ایرانی میانه غربی، بلوچی
2 2 2	2 1	تالشی شمالی
1 2 2	1 2	مرحله دوم ایرانی میانه غربی
2 2 2	1 1	مرحله سوم ایرانی میانه غربی، سورانی و کلهری

## ۵. نتیجه‌گیری

در پایان، می‌توان نتیجه گرفت، بر اساس اصل کاربرد بنیاد کاستن صورت‌ها و دو پیش‌بینی آن، یعنی پیش‌بینی فهرست صرفی و تمایزهای کاهنده، می‌توان موارد نشاننداری را در زبان‌های شمال غربی تبیین کرد؛ البته استثنائاتی نیز وجود دارد که مربوط به سلسله‌مراتب حالت در این زبان‌ها است.

بررسی پیش‌بینی فهرست صرفی در مقوله ضمیر و اسم زبان‌ها نشان می‌دهد که تغییرات الگوی شمار، حالت، و جنس منطبق بر تغییرات مجاز در پیش‌بینی فهرست صرفی بوده است؛ به این معنی که تلفیق حالت و شمار در مراتب پایین سلسله‌مراتب بوده است و، در سلسله‌مراتب جنس، جنس خنثی از بین رفته است.

بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف ضمیر سوم شخص زبان‌های مذکور نشان می‌دهد که، در سلسله‌مراتب شمار، داده‌های همه زبان‌ها حاکی از بی‌نشان بودن شمار مفرد و نشاندار بودن شمار جمع است؛ به این معنا که تعداد تمایزهای جنس و حالت یا در شمار مفرد بیش‌تر از شمار جمع است یا در هر دو برابر است. در سلسله‌مراتب حالت، به‌جز در فارسی باستان (احتمالاً به دلیل پیکره ناقص زبانی) بلوچی و کرمانجی، که تعداد تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کم‌تر است، در بقیه زبان‌ها، تعداد تمایزهای شمار و جنس (در صورت وجود) در حالت فاعلی بیش‌تر از حالت مفعولی و برایی است. در سلسله‌مراتب جنس، تعداد تمایزهای ترکیبی شمار و حالت یا در جنس مذکر بیش‌تر است (اوستایی

متأخر) یا در جنس مذکر و مؤنث مساوی است (سایر زبان‌ها) که نشان می‌دهد، در سلسله‌مراتب جنس، جنس مذکر بی‌نشان است.

بررسی پیش‌بینی تمایزهای کاهنده در صرف اسم در زبان‌های مذکور نشان می‌دهد که در سلسله‌مراتب شمار، به‌جز در صرف اسم در مرحله دوم ایرانی میانه غربی، تمایزهای صرفی در سایر زبان‌ها در شمار مفرد یا بیش‌تر از شمار جمع یا با آن برابر است. در سلسله‌مراتب حالت در زبان‌های اوستایی متأخر، فارسی باستان، زازاکی، کرمانجی، مراحل اول و دوم ایرانی میانه غربی و بلوچی، تمایزهای صرفی در حالت فاعلی کم‌تر از حالت‌های مفعولی و برایی است اما، در سایر زبان‌ها، تمایزات صرفی در حالت فاعلی بیش‌تر از یا برابر با حالت غیرفاعلی است. در سلسله‌مراتب جنس در زبان‌هایی که تمایز جنس دارند، تمایزات صرفی در جنس مذکر یا بیش‌تر از جنس مؤنث یا با آن برابر است که نشان می‌دهد جنس مذکر بی‌نشان است.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، با استفاده از اصول کاربردبنیاد، که مورد توجه نقش‌گرایان است، می‌توان تغییرات زبانی و نشاننداری در صرف را در عواملی نظیر راحتی پردازش، پیچیدگی، و کارایی یافت.

## پی‌نوشت

۱. نشانه جمع در کلهری.

## کتاب‌نامه

- رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۱). *دستور زبان پارسی (پهلوی اشکانی)*، تهران: نشر آثار.
- رضایی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- Arkadiev, P. (2004). "Two-term Case System in the Indo-Iranian Languages: a Typological Perspective", Paper held at *LECNA 2*, 11-14.05.2004, State University of Kazan, Tataristan.
- Axenov, S. (2006). *The Balochi Language of Turkmenistan. a Corpus-based Grammatical Description*, Uppsala Universitet: Acta Universitatis Upsaliensis.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*, 2<sup>nd</sup> ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2006). "Internal and External Forces in Typology: Evidence from Iranian Languages", *Journal of Universal Language*, Vol. 7.



- Greenberg, M. (1963). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements", in J. Greenberg (ed.), *Universals of Language 73-113*, Cambridge: MIT Press.
- Haig, G. (2000). "The Gender System in the Kurdish L: language: Structural and Sociolinguistic Aspects", *Workshop on Work in Progress: Kurdish Gender Studies*, Katzow, 23-25.09.2000.
- Haig, G. (2008). *Alignment Change in Iranian Languages: A Construction Grammar Approach*, Empirical Approaches to Language Typology [EALT] 37, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Haspelmath, M. (2006). Against Markedness (and what to replace it with). *Journal of Linguistics*. 42.
- Hawkins, J. A. (1990). "A Parsing Theory of Word Order Universals", *Linguistic enquiry*, Vol. 21, No. 2, MIT press.
- Hawkins, J. A. (2004). *Efficiency and Complexity in Grammars*, Oxford: Oxford University Press.
- Hawkins, J. A. (2012). "Patterns of Asymmetry in Argument Structure Across Languages", in Suihkonen, Pirkko, Bernard Comrie and Valery Solovyev (eds.), *Argument Structure and Grammatical Relations: A crosslinguistic Typology*. xv, 406 pp.
- Jahani, C (2003). "The Case System in Iranian Baalochi in a Contact Linguistic Perspective", in *The Baloch and Their Neighbours. Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, ed. Carnia Jahani and Agnes Korn. Wiesbaden: Reeichert.
- Jackson, A. V. W. (1982). *An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*, Stuttgart.
- MacKenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawrāmānī luhōn)*, kobenhaven: Det Kongelige Danske videnskabernes Selskab.
- Paul, D. (2011). "A Comparative Dialectal Description of Iranian Taleshi", Ph.D.dissertation, University of Manchester.
- Paul, L. (2009). "Zazaki", In G. Windfuhr (ed.), *The Iranian Languages*. London & New York: Routledge.
- Rastorgueva, V. S. et al. (2012). *The Gilaki Language English*, Translation, editing and expanded content by Ronald M. Lockwood. Acta Universitatis Upsaliensis. Studia Iranica Upsaliensia.
- Skjaervø, P. O. (2002). *An Introduction to Old Persian*, Manuscript available online at: <http://www.fas.harvard.edu/Iranian/avesta/avestancomplete.pdf>.
- Skjaervø, P. O. (2007). "Avestan and Old Persian Morphology", in: Alan S. Kaye (ed.), *Morphologies of Asia and Africa*, 2: 853-939. Winona Lake, Ind.: Eisenbrauns.
- Skjaervø, P. O. (2009). "Middle West Iranian", In G. Windfuhr (ed.), *The Iranian Languages*, London & New York: Routledge.
- Stilo, D. L. (1992). "Gilan X. Languages", in *Encyclopedia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, New York: Bibliotheca Persica Press.
- Stilo, D. L. (2008). "Case in Iranian: From Reduction and Loss to Innovation and Renewal", In: A. Mal'chukov and A. J. Spencer, eds. *The Oxford Handbook on Case*, Oxford University Press.
- Stilo, D. (2009). "Provincial Dialects", in *Encyclopedia Iranica*, Vol. XIV.

- Thackston, W. M. (2006). *Kurmanji Kurdish, A Reference Grammar with Selected Readings*, unpublished, available at <http://www.fas.harvard.edu/~iranian>. (last accessed .10 September 2014)
- Todd, Terry L. (1985). "AGgrammar of Dimlī (also known as Zaza)", Ph.D. dissertation, University of Michigan, Ann Arbor.
- Windfuhr, G. (2009). *The Iranian Languages*, Routledge.
- Yar-Shater, Ehsan (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Mouton, The Hague, Paris.